



۲۰۱۹/۰۴/۱۴

حسیب الله

سیاست زبانی فارس و یا فاشیزم زبانی فارس

سیاست زبانی فارس و یا فاشیزم زبانی فارس است که می خواهد به زبان های منطقه مارک جعلی بزند، تا آنکه بدان ذریعه از کانال سیاست زبانی، وسیله توسعه طلبی منطوقی کشور فارس را آماده ساخته، علایق اقتصادی-سیاسی کشور فارس را، بلخصوص از راه تسخیر اذهان مردمان کشور های افغانستان، تاجکستان و بخشی از ازبکستان، علایق اقتصادی-سیاسی کشور فارس را در منطقه پیاده سازد!

به نظر من ناشناس و صبور سیاه سنگ و همقطاران شان خیلی ها کوچکتر اند، نسبت به پروژه سیاست زبانی کشور فارس که آنرا در منطقه، بلخصوص در افغانستان، تاجکستان و قسمت های از ازبکستان راه اندازی نموده اند. ناشناس و صبور سیاه سنگ و همقطاران شان نقش دلقک های صحنه ئی این سیاست توسعه طلبی منطوقی کشور فارس را به نمایش می گذارد. ناشناس و دار و دسته صبور سیاه سنگ جز کوچک یک سناریوی بزرگ محسوب می شوند.

در عین حالیکه پروژه سیاست زبانی کشور فارس بطور مثال توسط دلقک های صحنه ئی این سیاست توسعه طلبی چون ناشناس و باند صبور سیاه سنگ در میدیای ایرانمحرور میخوانند و تلاش دارند که مارک جعلی را بر بقیه زبان های منطقه بکوبند، در عین حال پروژه سیاست زبانی کشور فارس سعی، تلاش و کوشش فراوان بخرچ میدهد که در قوانین اساسی افغانستان و تاجکستان صفت کلمه "فارس" را داخل سازند. کشور فارس فکر میکند از کانال سیاست زبانی میتواند اذهان مردم منطقه را به نفع منافع اقتصادی-سیاسی خودش بچرخاند.

مگر همین حالا مزدوران کشور فارس در تلاش آن نیستند که قانون اساسی تاجکستان را به نفع سیاست زبانی کشور فارس تغییر بدهند؟ واضیحست که فعالیت های آشکار و پنهانی در این ساحه جریان دارد!

آیا روسیه از کانال همین نوع سیاست زبانی خودش بلخصوص منطقه بالتیکوم را در قرن گذشته برای مدت تقریباً هفتاد سال نه بلعید؟ واضیحست که این کار صورت گرفت!

آیا همین حالا انگلستان و فرانسه منافع شانرا از کانال های سیاست های زبانی شان در کشور کانادا پیاده نمی کنند؟ واضیحست که می کنند!

آیا کشور فرانسه جهت منافع خودش همین حالا در داخل کشور بلژیک سیاست زبانی خودش را پیاده نمی کند؟ واضیحست که میکند!

یعنی: در شرایط اساس فعلی روی صحنه رقصاندن دلقک شهرت طلبی چون صادق فطرت ناشناس با لقب "دکترای ماسکوپیچ" وی که نه از علم و نه از هنر چندان بهره برده است، آنهم توسط یک باند مجهول الهویه ای که صدای ملت افغان در همین صفحه آنرا به نام باند "ستمی ها و سازایی ها" معرفی نموده است، یک تصادف نه، بلکه به نظر من جز یک پروژه بزرگ سیاست زبانی کشور فارس میباشد. به نظر من باید ما این گفته صدای ملت افغان را، به تحلیل و نیز جدی بگیریم، زمانی که به تاریخ دهم اپریل 2019م. در این صفحه می نویسد:

"صبور سیاستنگ یکی از اعضای سازمان سازای افغانستان که سابق در سازمان نشراتی سباوون یکجای با دکتر عبدالطیف همکاری داشت ناشناس یکی از هنرمندان مشهور

افغانستان را با چرندیات و جفنگیاتی که در کتاب خود نوشته بود ترور شخصیتی نمود . چنان که امروز نا شناس دیگر ناشناس نیست !
مردم را از ناشناس متنفر ساخت . تا باشد سپاه پاسداران ایران از وی راضی باشد.
همه ای ما میدانیم از قدیم ستمی ها و سزایی ها خواهان تجزیه افغانستان را در سر داشتند همیشه میخواستند یک قوم را سرکوب نمایند .
اینگونه اشخاصی که از آه خور بیگانه تغذیه میشوند و در بدل این کار ها پول گزافی را بدست میاورند همیشه خواستند به هر قسمی که شده از طریق مردم افغانستان بسویی قوم گرای بسویی زبان پرستی و کیش پرستی سوق دهند و تشویق شان کنند تا بر سر همدیگر بزنند.
یک روز بهانه میکنند قانون اساسی افغانستان غلط است .
روز دیگر مشکل با سرود ملی دارند
روز دیگر اردوی افغانستان را میخواهند منطقه ای بسازند
دیگر روزش نام افغانستان را میخواهند تغیر بدهند اینها که خود را نویسنده و تاریخ دان هم میگیرند . اصلا فکر پیش رفت و ترقی در سر شان نبوده همیشه به هزار سال قبل فکر کردند که ما چه بودیم چه هستیم ما تاریخ داشتیم . ما دیگر داشتیم
شاعر شان که تازه به سرودن شعر شروع میکند
اولین شعرش در مورد ایران و ایران پرستی است
نویسنده ای شان هم خراسان میخواهد. خراسانی که امروز یکی از استان های ایران است خراسان رضوی .
پس با این دسته افراد چه باید کرد این های که اصلا معنی آزادی را نمیدانند معنی اخوت و برادری را نمیدانند اصلا معنی انسانیت را نمیدانند همیشه غرق در زبان پرستی و کیش پرستی بودند هستند و میمانند
اینجاست که مردم افغانستان از دست بی سوادانش به ستو نیامده است
امان از دست این گونه با سوادانیکه پای لج کردند برای حذف تاریخ افغانستان .
برای توهین کردن یک قوم . بس دیگر مصروفیتی ندارند کار شان تفرقه اندازی است و بس ."

به نظر من این همه اعمال مخرب و این همه مارک جعل زدن بر برخی از زبان های منطقه جز سیاست زبانی فارس و جز توسعه طلبی منطقوی آن کشور میباشد.

ورنه روی کدام انگیزه ای و روی چه منظوری بطور مثال کشور فارس در افغانستان، روی موضوعاتی سرمایه گذاری میکند که بطور مثال ما در افغانستان:

بجای کمپیوتر، رایانه و تویانه بگوئیم، بجای فکس، دورنگار بگوئیم اما اگر متن فکس با حروف نسبتاً بزرگتر نوشته شده بود به آن نزدیکنگار بگوئیم، بجای حق الزحمه و یا حق التدریس، آموزانه بگوئیم، بجای احصائیه ، آمار بگوئیم، بجای پپاله، لیوان و استکان بگوئیم، بجای میدان هوایی و یا میدان طیاره، فرودگاه بگوئیم، بجای موتر، خودرو، و یا لُلمی بگوئیم، بجای مادر، مامان و در صورت نیاز کاکان بگوئیم، بجای پاسپورت، گذرنامه و یا مکتوب گذر بگوئیم، بجای زاویه، گوشه بگوئیم، بجای سطح، رویه بگوئیم، بجای زاویه منفرجه، گوشه باز بگوئیم، بجای زاویه حاده، گوشه تنگ بگوئیم، بجای جرم کوچک، بزه بگوئیم اما اگر جرم نسبتاً بزرگ بود در آنصورت فیله بگوئیم، بجای جزا و مجازات، کیفر بگوئیم، بجای جواز، پروانه بگوئیم اما زمانیکه جواز از اعتبار ساقط گردید به آن شمع بگوئیم، بجای جذب، ربایش بگوئیم، بجای مشوره و مشاوره، رایزنی و رایکوبی بگوئیم، بجای ویزه، روادید بگوئیم اما زمانیکه ویزه داده نشد ناروا دید بگوئیم، بجای کیفیت، چونی بگوئیم، بجای کمیت، چندی بگوئیم اما اگر رقم کمیت تنزیل یافت چندک بگوئیم، بجای محکمه، دادگاه بگوئیم اگر محکمه زیاد جریمه میکرد، آنگاه خواستگاه بگوئیم، بجای مالیات، نلوگ بگوئیم، زمانیکه مالیات مردم را به عذاب ساخت آنگاه میتوانیم نولک هم بگوئیم، بجای بین الافغانی، میان افغانی بگوئیم و یا در ارتباط با نام ها و یا اسامی ماه های هجری شمسی بجای ماه حمل، فروردین بگوئیم، بجای ماه ثور، اردی بهشت بگوئیم اما اگر هوا سرد بود اردی دوزخ بگوئیم، بجای ماه جوزا، خرداد، گاو داد و سگ داد بگوئیم، بجای ماه سرطان، تیر و کمان بگوئیم هر گاه در این ماه جنگی با کشور

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ایران رخ دهد آنگاه تیر و کمان نه، بلکه باید آنگاه به این ماه سال تفنگ و توپ بگوئیم، بجای ماه اسد، مرداد و سرداد بگوئیم، بجای ماه سنبله،، شهریور و ده یور بگوئیم، بجای ماه میزان، مهر و محبت بگوئیم، بجای ماه عقرب، آبان و نانا بگوئیم، بجای ماه قوس، اسم "آذر خیاط را" بگیریم، بجای ماه جدی، دی و دیشب و پریشب را استفاده کنیم، بجای ماه دلو، به من و به تو و به او را استفاده کنیم، بلاخره بجای ماه حوت هم بگوئیم اسفند بلا بند به حق ولایت فقی.

گرچه استفاده از برخی از کلمات بالائی را میدیای فارسمحور در هژده سال اخیر در افغانستان عزیز ما از کانال مزدورانش و از کانال میدیای جدید التأسیس هژده سال اخیر در بین مردم عزیز ما تبلیغ نموده است و فرهنگستان کشور فارس ادعا دارد که همچو کلمات امثال آنها ممکن در ادبیات کهن در منطقه ریشه داشته باشد ولی برای دری زبانان افغانستان چنین کلمات بیگانه و ناآشنا می باشند. اما با آنهم فاشیزم زبانی فارس سعی و کوشش فراوان دارد تا در نشرات، رادیو ها، تلویزیون ها، جرائد، اخبار و روزنامه های افغانستان عزیز چنین کلمات و امثال آنها را به نشر برساند که بدون شک و یقیناً تا همین اکنون به اعتراض مردم عزیز ما مواجه گردیده و در آینده نیز این سلوک زشت مقبولیت چندانی نخواهد داشت ولی مشکل جدید که محور بحث اصلی ما را تشکیل میدهد اینست که امروز برمیخوریم با روی صحنه آوردن اشخاصی چون صادق فطرت ناشناس ماسکویچ که در کنار مشکلات بالائی خواهش آنها دارد که نیز کلمه "سملیوت" را بجای کلمه "طیاره" جابجا نماید.

در شرایط اساس فعلی به نظر من در این رابطه ما باید در قدم اول از ماده شانزده قانون اساسی افغانستان عزیز با دقت تمام پشتیبانی نموده نگذاریم که کشور فارس صفت کلمه "فارس" را بر یکی از زبان های رسمی ما بچسپاند. کاری را که فعلاً وی در داخل تاجکستان راه اندازی نموده است. دیده شود کشور تاجکستان در آینده قریب با این نوع سیاست زبانی کشور فارس چه برخوردی می کند.

با عرض احترامات فائقه

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ